

[بررسی حکم خواندن سور عزائم در نماز 1](#_Toc99300866)

[بررسی روایات دال بر عدم جواز قرائت سور عزائم 2](#_Toc99300867)

[روایت اول: صحیحه زرارۀ 2](#_Toc99300868)

[روایت دوم: روایت علی بن جعفر 2](#_Toc99300869)

[کلام محقق حائری مبنی بر دلالت حدیث بر صحت نماز 3](#_Toc99300870)

[کلام محقق سیستانی در توجیه روایت علی بن جعفر 4](#_Toc99300871)

[روایت سوم: موثقه عمار 5](#_Toc99300872)

[روایت چهارم: موثقه سماعۀ 6](#_Toc99300873)

[کلام محقق سیستانی 7](#_Toc99300874)

[بررسی روایات دال بر عدم مبطلیت سور عزائم در نماز 7](#_Toc99300875)

[روایت اول: روایت عامر بن عبدالله 8](#_Toc99300876)

[روایت دوم: روایت علی بن جعفر 8](#_Toc99300877)

**موضوع**: سور عزائم /قرائت /صلاه

**خلاصه مباحث گذشته:**

در جلسه گذشته به بررسی برخی از أدله دال بر عدم جواز قرائت سور عزائم در نماز پرداخته شد که از جمله صحیحه زراره بود. در این جلسه به ادامه بیان ادله و بررسی آن پراخته می شود، سپس به بیان ادله دال بر جواز پرداخته می شود.

# بررسی حکم خواندن سور عزائم در نماز

بحث در قرائت سور عزائم در نماز فریضه بود که سه قول در آن مطرح شده بود:

1. قول اول، کلام مشهور از جمله صاحب عروه است که می فرمایند: اگر شخص عمدا سور عزائم را بخواند نماز باطل است، حتی اگر سجده نکند.
2. قول دوم کلام برخی از بزرگان از جمله محقق خویی است که معتقدند اگر شخص سور عزائم را بخواند و سجده نکند، نماز صحیح است و اگر سجده بکند، سجده موجب بطلان نماز می شود.
3. قول سوم نیز کلام محقق داماد و آیت الله سیستانی است که در بحث استدلالی خویش بیان کرده اند که سور عزائم در نماز کراهت دارد و مبطل نماز نیست. اگر شخص این مکروه را انجام دهد سجده بر او واجب می شود، با این حال نمازش باطل نمی شود ولی کار جالبی نیست[[1]](#footnote-1). البته آیت الله سیستانی در مقام فتوا احتیاط می کنند.

## بررسی روایات دال بر عدم جواز قرائت سور عزائم

ما در مقام بررسی روایات دال بر عدم جواز بودیم.

### روایت اول: صحیحه زرارۀ

 روایت اول از زرارۀ نقل شده بود:

« مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عُرْوَةَ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ **أَحَدِهِمَا ع قَالَ: لَا تَقْرَأْ فِي الْمَكْتُوبَةِ بِشَيْ‏ءٍ مِنَ الْعَزَائِمِ فَإِنَّ السُّجُودَ زِيَادَةٌ فِي الْمَكْتُوبَةِ**»[[2]](#footnote-2)

راجع به این روایت بحث شد و استظهار ما این بود که مفاد این روایت همان قول دوم است که اگر شخص آیات سجده دار را بخواند، أعم از اینکه در ضمن سورۀ باشد یا اینکه به تنهایی خوانده شود، از این جهت که سجده را واجب می کند، زیاده سجده موجب بطلان نماز می شود؛ زیرا زیاده در مکتوبۀ است.

### روایت دوم: روایت علی بن جعفر

روایت دوم روایت قرب الإسناد از علی بن جعفر است که عرض شد کتاب علی بن جعفر نیز این روایت را با یک اختلافی نقل کرده است که در کتاب علی بن جعفر تعلیل نیز ذکر شده است. در کتاب قرب الإسناد تعلیل نیامده است و متن آن چنین است:

«حدثنا عبد الله بن الحسن العلوي عن جده علي بن جعفر قال سألت أخي موسى بن جعفر ....**و سألته عن الرجل يقرأ في الفريضة سورة النجم أ يركع بها أو يسجد ثم يقوم فيقرأ بفاتحة الكتاب بغيرها قال يسجد ثم يقوم فيقرأ بغيرها ثم يسجد ثم يقوم فيقرأ بفاتحة الكتاب و يركع و لا يعود يقرأ في الفريضة بسجدة**»[[3]](#footnote-3)

در کتاب علی بن جعفر تعلیل آمده است که زیاده در فریضه است:

« عبْدُ اللَّهِ‌ بْنُ‌ جَعْفَرٍ فِي قُرْبِ‌ الْإِسْنَادِ عَنْ‌ عَبْدِ اللَّهِ‌ بْنِ‌ الْحَسَنِ‌ عَنْ‌ جَدِّهِ‌ عَلِيِّ‌ بْنِ‌ جَعْفَرٍ عَنْ‌ أَخِيهِ‌ **قَالَ‌: سَأَلْتُهُ‌ عَنِ‌ الرَّجُلِ‌ يَقْرَأُ فِي الْفَرِيضَةِ‌ سُورَةَ‌ اَلنَّجْمِ‌ ، أَ يَرْكَعُ‌ بِهَا أَوْ يَسْجُدُ ثُمَّ‌ يَقُومُ‌ فَيَقْرَأُ بِغَيْرِهَا قَالَ‌ يَسْجُدُ ثُمَّ‌ يَقُومُ‌ فَيَقْرَأُ بِفَاتِحَةِ‌ الْكِتَابِ‌ ، وَ يَرْكَعُ‌ (وَ ذَلِكَ‌ زِيَادَةٌ‌ فِي الْفَرِيضَةِ‌) وَ لاَ يَعُودُ يَقْرَأُ فِي الْفَرِيضَةِ‌ بِسَجْدَةٍ‌**»[[4]](#footnote-4)

راجع به این روایت، محقق بروجردی اشکال کرده اند که صدر و ذیل آن دارای تنافی است؛ زیرا صدر آن تعبیر به «یسجد ثم یقوم فیقرأ بفاتحۀ الکتاب» دارد که دال بر صحت نماز است، ولی در ذیل آن آمده است که «ذلک زیادۀ فی الفریضۀ» از این جهت صدر و ذیل روایت تهافت دارد و قابل اعتماد نیست[[5]](#footnote-5).

به نظر ما این اشکال وارد نیست؛ زیرا ایشان «یسجد ثم یقوم فیقرأ بفاتحۀ الکتاب» را دال بر صحت نماز دانسته اند، در حالی که «فیقرأ بقاتحۀ الکتاب» می تواند قرینه بر بطلان نماز باشد. یعنی به معنای وجوب استیناف نماز است و این احتمال وجود دارد. ذیل روایت نیز موید همین احتمال است. اتفاقا در صحیحه ثالثه زرارۀ نیز می بینیم که راجع به نماز احتیاط در شک بین دو چهار چنین تعبیر می کند: «**ثم یأتی برکعتین من جلوس و يسلّم**»[[6]](#footnote-6)، تعبیر به تکبیرۀ الإحرام ندارد ولی همین که فاتحۀ الکتاب را مطرح کرده است نماز احتیاط را فهمانده است و دو رکعتی مستقل باید خوانده شود. اینجا نیز همینطور است؛ بنابراین تهافتی بین صدر و ذیل نیست. این نماز که با سورۀ های سجده دار خوانده شد، باید سجده آورده شود، بعد وظیفه این است که نماز را تکرار کنید و دفعه بعد نیز نباید این کار را کنید. یعنی این نماز را که باطل کرده اید، یک نماز دیگر باید بخوانید؛ این بیان عرفی است.

#### کلام محقق حائری مبنی بر دلالت حدیث بر صحت نماز

محقق حائری بیان دیگری راجع به این روایت علی بن جعفر فرموده اند؛ ایشان معتقدند که این روایت کالصریح است در اینکه این نماز صحیح است. وقتی امام می فرماید «یسجد ثم یقوم و یقرأ فاتحۀ الکتاب» دال بر صحت است. گفته نشود که ذیل آن منافات با صحت دارد؛ زیرا ایشان می فرماید که صدر روایت قرینه بر کراهتی بودن حکم استفاده شده از ذیل می شود. کسی که سورۀ سجده دار می خواند می تواند نماز را ادامه دهد ولی باید بداند که این کار زیادۀ در فریضه است و با قرینه صدر روایت می توان فهمید که کراهت دارد و بهتر است که از این کار ها نشود. خود تعبیر **وَ لاَ يَعُودُ يَقْرَأُ فِي الْفَرِيضَةِ‌ بِسَجْدَةٍ‌ ظهور** در صحت نماز دارد، ولی سفارش می شود که دیگر این کار تکرار نشود. بنابراین نهی از عود به مثل این کار است. از ایشان پرسیده می شود که چرا نظر استدلالی شما صحت این نماز نشده است؟ ایشان می فرماید که از آنجایی که شهرت عظیمه بلکه ادعای عدم مخالف در مسئله شده است، نمی توان قائل به صحت این نماز شد.

به نظر ما این بیان نیز عرفی نیست؛ زیرا تعبیر «ذلک زیادۀ فی الفریضۀ» ظهور در تعلیل دارد و تناسب با بطلان دارد. ظهور در تعلیل بیان حکم دارد. ممکن است شما بگویید که این جمله در نسخه کتاب قرب الإسناد نیست و در کتاب علی بن جعفر است و وثوق به صدور آن پیدا نمی شود، این یک اشکالی است که در جای خود مطرح است، اما با قطع نظر از این اشکال، تعبیر «زیادۀ فی الفریضۀ» ظهور در تعلیل حکم دارد. بنابراین اینکه گفته شود این روایت کالصریح در صحت نماز است، وجهی ندارد. می تواند بیان بطلان نماز باشد و بخواهد بگوید که شخص از نو باید نماز بخواند. در این روایت نهی الزامی از عود به این کار است و ظهور در ارشاد به مانعیت دارد که کار شما موجب فساد نماز می شود.

#### کلام محقق سیستانی در توجیه روایت علی بن جعفر

محقق سیستانی فرموده اند: توجیه ما نسبت به این روایت این است که علی بن جعفر روایات مختلفه ای شنیده بوده است. از یک طرف صحیحه حلبی را دیده بود که متن آن چنین است:

« مُحَمَّدُ بْنُ‌ يَعْقُوبَ‌ عَنْ‌ عَلِيِّ‌ بْنِ‌ إِبْرَاهِيمَ‌ عَنْ‌ أَبِيهِ‌ عَنِ‌ اِبْنِ‌ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ‌ حَمَّادٍ عَنِ‌ اَلْحَلَبِيِّ‌ عَنْ‌ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ‌ عَلَيْهِ‌ السَّلاَمُ‌ : أَنَّهُ‌ سُئِلَ‌ عَنِ‌ الرَّجُلِ‌ يَقْرَأُ بِالسَّجْدَةِ‌ فِي آخِرِ السُّورَةِ‌ قَالَ‌ يَسْجُدُ ثُمَّ‌ يَقُومُ‌ فَيَقْرَأُ فَاتِحَةَ‌ الْكِتَابِ‌ ، ثُمَّ‌ يَرْكَعُ‌ وَ يَسْجُدُ»[[7]](#footnote-7)

از طرفی نیز روایت وهب بن وهب را شنیده بود که متن آن چنین است:

« وَ بِإِسْنَادِهِ‌ عَنْ‌ أَحْمَدَ بْنِ‌ مُحَمَّدٍ عَنْ‌ مُحَمَّدِ بْنِ‌ خَالِدٍ عَنْ‌ أَبِي الْبَخْتَرِيِّ‌ وَهْبِ‌ بْنِ‌ وَهْبٍ‌ عَنْ‌ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ‌ عَلَيْهِ‌ السَّلاَمُ‌ عَنْ‌ أَبِيهِ‌ عَنْ‌ عَلِيٍّ‌ عَلَيْهِ‌ السَّلاَمُ‌ أَنَّهُ‌ قَالَ‌: إِذَا كَانَ‌ آخِرُ السُّورَةِ‌ السَّجْدَةَ‌ أَجْزَأَكَ‌ أَنْ‌ تَرْكَعَ‌ بِهَا» [[8]](#footnote-8)

بنابراین او روایاتی را بدین مفاد شنیده است که فاتحۀ الکتاب تکرار شود، از طرفی نیز روایاتی را بدین مضمون که بعد از سجده تلاوت نیازی به تکرار فاتحۀ الکتاب نیست، شنیده بود. این روایات را عرضه بر امام علیه السلام کرده است. عرضه کردن او با همین روایت است که اول سوال می کند: « **سَأَلْتُهُ‌ عَنِ‌ الرَّجُلِ‌ يَقْرَأُ فِي الْفَرِيضَةِ‌ سُورَةَ‌ اَلنَّجْمِ‌ ، أَ يَرْكَعُ‌ بِهَا أَوْ يَسْجُدُ**» این سوال نسبت به روایت وهب بن وهب است، یا اینکه طبق روایت حلبی برخیزد و قرآن بخواند؟ « **أَوْ يَسْجُدُ ثُمَّ‌ يَقُومُ‌ فَيَقْرَأُ بِغَيْرِهَا»** امام مفاد صحیحه حلبی را بیان فرموده اند که شخص باید فاتحۀ الکتاب را بخواند. بعد فرموده اند که این کاری که شخص می کند که سورۀ سجده دار را می خواند و بعد به سجده می رود و بعد بر می خیزد، زیاده در فریضه است ولی مبطل نیست. بهتر است که دیگر از این کار ها نکند. آیت الله سیستانی فرموده اند ما وقتی مجموع روایات را بررسی می کنیم نتیجه این می شود که این نماز با سجده تلاوت صحیح است، لکن مکروه است.

 به نظر ما این بیان ایشان خلاف ظاهر است. حدأقل در این روایت علی بن جعفر فرض صحت صلاۀ را نکرده است و فقط در این فکر است که از امام بپرسد که بعد از سجده تلاوت که برمی خیزد و می خواهد نماز را ادامه بدهد، فاتحۀ الکتاب را بخواند یا نخواند؟ در حالی که به نظر ما چنین ظهوری ندارد؛ زیرا روایت علی بن جعفر گفت «أیرکع بها أو یسجد» نگفت که «فیقرأ فاتحۀ الکتاب» که ما بگوییم اشاره به روایت حلبی می کند. امام هم در جواب فرموده اند که «ثم یقوم و یقرأ بفاتحۀ الکتاب» که ما به قرینه ذیل گفتیم که ملغی بودن نماز را می رساند و باید دوباره بخواند.

سوال می شود که چه مانعی دارد که حکم تکلیفی به اعاده حمد باشد؟

جواب این است که به قرینه لایعود و زیادۀ فی الفریضۀ می گوییم که ظهور در الزام دارد و ظهورش در همین است که این نماز به خاطر این سجده تلاوت، باطل می شود؛ چرا که زیاده در فریضۀ است. وقتی گفته می شود زیادۀ فی الفریضۀ مرتکز در ذهن این است که بطلان نماز را بیان می کنند. در کتاب علی بن جعفر این تعبیر وجود دارد، اگر هم نباشد، «لایعود» وجود دارد. ما مثل محقق خویی نیستیم که بگوییم ما محتاج به روایت علی بن جعفر هستیم. ایشان روایت قاسم بن عروۀ را قبول نکرد، سند قرب الإسناد را نیز قبول ندارد، لذا محتاج روایت علی بن جعفر است و می گوید صاحب وسائل و صاحب بحار سند به نسخ کتاب علی بن جعفر داشته اند و وقتی می گویند رواه علی بن جعفر، سند تمام است. ما روایت قاسم بن عروۀ را نیز قبول می کردیم، لذا حتی اگر این روایت نیز مجمل باشد روایت قاسم بن عروۀ کفایت می کند.

### روایت سوم: موثقه عمار

روایت سوم روایت موثقه عمار است:

« وَ بِإِسْنَادِهِ‌ عَنْ‌ سَعْدٍ عَنْ‌ أَحْمَدَ بْنِ‌ الْحَسَنِ‌ عَنْ‌ عَمْرِو بْنِ‌ سَعِيدٍ عَنْ‌ مُصَدِّقٍ‌ عَنْ‌ عَمَّارٍ عَنْ‌ **أَبِي عَبْدِ اللَّهِ‌ عَلَيْهِ‌ السَّلاَمُ‌ قَالَ‌: فِي الرَّجُلِ‌ يَسْمَعُ‌ السَّجْدَةَ‌ فِي السَّاعَةِ‌ الَّتِي لاَ تَسْتَقِيمُ‌ الصَّلاَةُ‌ فِيهَا قَبْلَ‌ غُرُوبِ‌ الشَّمْسِ‌ وَ بَعْدَ صَلاَةِ‌ الْفَجْرِ فَقَالَ‌ لاَ يَسْجُدْ وَ عَنِ‌ الرَّجُلِ‌ يَقْرَأُ فِي الْمَكْتُوبَةِ‌ سُورَةً‌ فِيهَا سَجْدَةٌ‌ مِنَ‌ اَلْعَزَائِمِ‌ ، فَقَالَ‌ إِذَا بَلَغَ‌ مَوْضِعَ‌ السَّجْدَةِ‌ فَلاَ يَقْرَأْهَا وَ إِنْ‌ أَحَبَّ‌ أَنْ‌ يَرْجِعَ‌ فَيَقْرَأَ سُورَةً‌ غَيْرَهَا وَ يَدَعَ‌ الَّتِي فِيهَا السَّجْدَةُ‌ فَيَرْجِعُ‌ إِلَى غَيْرِهَا**»[[9]](#footnote-9)

امام فرموده اند که وقتی به آیه سجده واجبه رسیدید، دیگر نخوانید. اگر دوست داشتید سورۀ دیگری بخوانید و اگر دوست نداشتید به همین نصف سورۀ اکتفاء کنید. بنابراین می بینیم که نهی از اتمام سورۀ دارای آیه سجده کرده است. ظهور نهی نیز در ارشاد به مانعیت است. بلی، این مبتنی بر این نظر است که اکتفاء به بعض سورۀ جایز است و فرض این است که اکتفاء به بعض سورۀ مفاد ادله است، هم محقق سیستانی و هم ما قبول داریم که مفاد ادله این است، گرچه مشهور قبول ندارند. بنابراین ظاهر این روایت این است که نباید سورۀ سجده دار ادامه پیدا کند.

### روایت چهارم: موثقه سماعۀ

روایت چهارم موثقه سماعۀ است:

« اَلْحُسَيْنُ‌ بْنُ‌ سَعِيدٍ عَنْ‌ عُثْمَانَ‌ بْنِ‌ عِيسَى عَنْ‌ سَمَاعَةَ‌ قَالَ‌: **«مَنْ‌ قَرَأَ اِقْرَأْ بِاسْمِ‌ رَبِّكَ‌ فَإِذَا خَتَمَهَا فَلْيَسْجُدْ فَإِذَا قَامَ‌ فَلْيَقْرَأْ فَاتِحَةَ‌ الْكِتَابِ‌ وَ لْيَرْكَعْ‌» قَالَ‌ «وَ إِنِ‌ ابْتُلِيتَ‌ بِهَا مَعَ‌ إِمَامٍ‌ لاَ يَسْجُدُ فَيُجْزِيكَ‌ الْإِيمَاءُ‌ وَ الرُّكُوعُ‌ وَ لاَ تَقْرَأْ فِي الْفَرِيضَةِ‌ اقْرَأْ فِي التَّطَوُّعِ‌**»[[10]](#footnote-10)

برخی از این امام های اهل سنت، سورۀ های سجده دار را می خواندند و سجده نیز نمی کردند. شافعی نیز قائل به عدم وجوب سجده است، برخی شان نیز سجده می کردند. امام در این روایت می فرماید ایماء به سجده کفایت می کند، بعد فرموده اند که در نماز فریضۀ سورۀ سجده دار نخوان و در نافله اشکالی ندارد. امام نخواستند که صریح بطلان نماز را مطرح کنند، شاید به خاطر اینکه خلاف وحدت می شد. در صحیحه ای از زرارۀ که در مورد شک بین دو و چهار بود نیز گذشت که امام تصریح به بطلان نکردند و با کنایه فهماندند که نماز احتیاط نماز منفصل است. اینجا نیز صریح بطلان را مطرح نفرموده اند. فرموده اند وقتی بلند شد فاتحۀ الکتاب را بخواند. اگر گفته شود که ظهور در چنین مطلبی ندارد، می گوییم ظهور در خلافش نیز ندارد، لکن می بینیم که در ذیل آن بطلان نماز مطرح شده است، ظاهر ذیل این است که با خواندن این سورۀ های سجده دار نماز باطل می شود که البته ما با قرینه «ذلک زیادۀ فی المکتوبۀ» می گوییم اگر سجده به جا آورده شود نماز باطل است.

#### کلام محقق سیستانی

محقق سیستانی همان فرمایش خود را تکرار کرده و فرموده اند: این روایات می گویند که خوب است سور عزائم خوانده نشود، ولی اگر خواندید در صورتی که آیه سجده آخرین آیه باشد، مثل همین مورد که آخرین آیه آن سجده دار است، در این صورت بعد از اینکه سجده تلاوت کرد بلند شود و فاتحۀ الکتاب بخواند که رکوع مسبوق به قرائت قرآن باشد، ولی می گویند چون در صحیحه ای دیگر از علی بن جعفر (که البته ایشان خیلی هم آن روایت را صحیحه نمی دانند) نفرموده است «ثم یقوم»[[11]](#footnote-11)در قرب الإسناد نیز آمده است که اگر آیه سجده دار را بخوانند، یسجد و یسجدون، امام و مأمومین سحده می کنند و نمازشان صحیح است. آیت الله سیستانی می فرماید در آن روایت نیامده است که فاتحۀ الکتاب را بخوانند، از این رو ما این روایاتی که امر به خواندن فاتحۀ الکتاب کرده اند را حمل بر استحباب می کنیم. از این رو موثقه سماعۀ را نیز حمل بر استحباب کرده اند؛ زیرا برخی از روایات با اینکه در مقام افتاء بوده اند همین را هم ندارند. از این رو قرائت فاتحۀ الکتاب بعد از سجده تلاوت مستحب است.

نکته دیگر در مورد موثقه سماعۀ این است که در این روایت «نماز فریضه» مطرح نشده است. گفته نشود که در ذیل آن آمده است که «اذا ابتلیت بها مع امام لایسجد» مراد از نماز جماعت نماز فریضۀ است؛ زیرا نماز با عامه نماز فریضه نبود آن ها نماز تراویح نیز می خواندند، ولی بر فرض نماز فریضه باشد ارتباطی به صدر روایت ندارد که در آن فریضه بودن مطرح نشده است. بعد هم امام فرموده است که «لاتقرأ فی الفریضۀ اقرء فی التطوع» بنابراین ذیل نیز می تواند قرینه باشد که صدر روایت مربوط به نافله است. محقق سیستانی می فرمایند که چون جو فقهی آن زمان این بود که در نماز فریضه می توان سور عزائم خواند و این محل بحث بوده است، نمی توان روایت را حمل بر نافله کرد.

ما می گوییم چرا نشود حمل بر نوافل کرد؟ اینکه جو فقهی بر یک مطلبی بوده دلیل نمی شود که این روایت حمل بر نوافل نشود؛ چه اینکه خود روایت مطلق است و در ذیل نیز می گوید که در فریضه نخوانید، قرینه متصله است که آنچه ما گفتیم مربوط به نماز نافله است و در فریضه این کار را نکنید. بنابراین به نظر ما دلالت این روایات بر اینکه اگر در نماز فریضه سور سجده دار را بخوانید و بعد سجده تلاوت بروید نماز باطل می شود، دلالت این روایات که أهم آن صحیحه زرارۀ است، تمام است.

## بررسی روایات دال بر عدم مبطلیت سور عزائم در نماز

حال به بیان روایات مقابل می پردازیم که دال بر صحت نماز در صورت سور عزائم هستند.

### روایت اول: روایت عامر بن عبدالله

محقق سیستانی فرموده اند که یک روایت، روایت عامر بن عبدالله است که متن آن چنین است:

« أَحْمَدُ بْنُ‌ مُحَمَّدٍ عَنْ‌ عَلِيِّ‌ بْنِ‌ الْحَكَمِ‌ عَنْ‌ سَيْفِ‌ بْنِ‌ عَمِيرَةَ‌ عَنْ‌ عَامِرِ بْنِ‌ عَبْدِ اللَّهِ‌ قَالَ‌ سَمِعْتُ‌ **أَبَا عَبْدِ اللَّهِ‌ عَلَيْهِ‌ السَّلاَمُ‌ يَقُولُ‌: «مَنْ‌ قَرَأَ شَيْئاً مِنَ‌ اَلْحَوَامِيمِ‌ فِي صَلاَةِ‌ الْفَجْرِ فَاتَهُ‌ الْوَقْتُ**‌»[[12]](#footnote-12)

ایشان می فرماید که یکی از سورۀ هایی که از حوامیم است سورۀ سجده است، ولی امام تعلیل به فاته الوقت کرده است و بطلان نماز را مطرح نکرده است.

این روایت دارای ضعف سند است که بحث آن نیز در گذشته مطرح شده است. عامر بن عبدالله ضعیف است مگر اینکه آیت الله سیستانی از طریق مروی عنه بودن ابن ابی عمیر درست کند. لکن اشکال دیگر به روایت این است که اگر می گویند من قرأ شیئا من الحوامیم فاته الوقت، مشکل کلی قرائت حوامیم را گفته اند، حال اینکه سورۀ حم مشکل دیگری نیز دارد، استظهار نمی شود که حتما اگر مشکل خاصی نیز بود باید می گفتند و چون نگفته اند مشکل خاصی ندارد. این استظهار عرفی نیست؛ حدأقل این است که قابل تقیید با روایاتی است که برای سور عزائم مشکل دیگری مطرح کرده اند که موجب سجود تلاوت می شود و نماز را باطل می کند.

### روایت دوم: روایت علی بن جعفر

روایت دوم صحیحه علی بن جعفر است که دو جور نقل شده است:

در قرب الإسناد چنین آمده است:

« **سألته عن إمام قرأ في السجدة فأحدث قبل أن يسجد كيف يصنع قال يقدم غيره فيسجد و يسجدون و ينصرف فقد تمت صلاتهم**»[[13]](#footnote-13)

امام سورۀ سجده دار می خواند و قبل از اینکه سجده رود دارای حدث می شود، چه کند؟ امام فرموده اند که شخص دیگری را مقدم به جای خود می کند و سجده می کند و بقیه نیز سجده می کنند. همه سجده تلاوت را به جا می آورند، در این صورت نمازشان صحیح است. محقق سیستانی فرموده اند که این روایت دال بر صحت نماز است، فقط مشکل امام اول این است که وضوی او باطل شده است، مشکل دیگری پیش نیامده است.

نقلی که در تهذیب آمده دارای سند خوب است و ایراد به سند وارد نیست؛ زیرا شیخ از احمد بن محمد از موسی بن قاسم که دارای توثیق است، از علی بن جعفر، متن آن چنین است:

« أَحْمَدُ بْنُ‌ مُحَمَّدٍ عَنْ‌ مُوسَى بْنِ‌ الْقَاسِمِ‌ عَنْ‌ عَلِيِّ‌ بْنِ‌ جَعْفَرٍ عَنْ‌ أَخِيهِ‌ **مُوسَى بْنِ‌ جَعْفَرٍعَلَيْهِمَا السَّلاَمُ‌ قَالَ‌: سَأَلْتُهُ‌ عَنْ‌ إِمَامٍ‌ قَرَأَ اَلسَّجْدَةَ‌ فَأَحْدَثَ‌ قَبْلَ‌ أَنْ‌ يَسْجُدَ كَيْفَ‌ يَصْنَعُ‌ قَالَ‌ «يُقَدِّمُ‌ غَيْرَهُ‌ فَيَتَشَهَّدُ وَ يَسْجُدُ وَ يَنْصَرِفُ‌ هُوَ وَ قَدْ تَمَّتْ‌ صَلاَتُهُمْ**‌»[[14]](#footnote-14)

در روایت قبلی مسئله سجده کردن همه آمده بود، در اینجا آمده است که امام تشهد و سجده کند و نمازشان صحیح است. محقق سیستانی فرموده اند ظاهر این روایت این است که امام، امام شیعی است، وگرنه نمی پرسیدند که امام سنی چه کند؟ امام علیه السلام با این حال فرموده اند که نماز صحیح است. پس این روایت در مورد نماز جماعت امام شیعی است که سورۀ سجده دار را می خواند، قبل از اینکه سجده کند محدث به اصغر می شود، امام فرموده اند که کسی از مأمومین را جلو می فرستد و نماز را می خوانند و نماز همه نیز صحیح است. بنابراین ایشان می فرمایند که این روایت قرینه می شود بر اینکه نماز با سور عزائم باطل نمی شود. ایشان البته فرموده اند که این روایت دوم اضطراب متن دارد و متن صحیح همان روایت قرب الإسناد است.

ان شاءالله در جلسه آینده به بررسی این کلام پرداخته می شود. ایشان

1. . کتاب الصلاة (محقق داماد)، جلد: ۳، صفحه: ۳۹۸. [↑](#footnote-ref-1)
2. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص318.](http://lib.eshia.ir/11005/3/318/%D8%B2%DB%8C%D8%A7%D8%AF%DB%80) [↑](#footnote-ref-2)
3. . قرب الإسناد (ط. القدیمة) (قرب الإسناد (ط. القدیمه))، صفحه: ۹۳. [↑](#footnote-ref-3)
4. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج6، ص106، أبواب ، باب، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/6/106/%DB%8C%D8%B1%DA%A9%D8%B9) [↑](#footnote-ref-4)
5. . نهایة التقریر في مباحث الصلاة، جلد: ۲، صفحه: ۱۴۳. «و لا يخفى التهافت و المناقضة بين صدر الرواية الدالّ‌ على جواز قراءة «سورة النجم» في الفريضة، و ذيلها الدالّ‌ على أنّ‌ ذلك زيادة فيها، و على النهي عن العود إلى مثلها، فالعمدة في المقام هي رواية زرارة، و لا بدّ من التكلّم في مدلولها....». [↑](#footnote-ref-5)
6. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج5، ص323، أبواب ، باب، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/5/323/%D8%B1%DA%A9%D8%B9%D8%AA%DB%8C%D9%86) [↑](#footnote-ref-6)
7. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج6، ص102، أبواب ، باب، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/6/102/%D8%B3%D8%A6%D9%84) [↑](#footnote-ref-7)
8. . همان. [↑](#footnote-ref-8)
9. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج6، ص105، أبواب ، باب، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/6/105/%D8%A7%D9%84%D8%B1%D8%AC%D9%84) [↑](#footnote-ref-9)
10. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص292.](http://lib.eshia.ir/10083/2/292/%D8%A7%D9%84%D8%AA%D8%B7%D9%88%D8%B9) [↑](#footnote-ref-10)
11. . آن صحیحه علی بن جعفر غیر از این صحیحه علی بن جعفر است که خواندیم. یک صحیحه علی بن جعفر است که در تهذیب آمده که بعد اشاره می کنیم. [↑](#footnote-ref-11)
12. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص295.](http://lib.eshia.ir/10083/2/295/%D9%82%D8%B1%D8%A3) [↑](#footnote-ref-12)
13. . قرب الإسناد (ط. القدیمة) (قرب الإسناد (ط. القدیمه))، صفحه: ۹۴. [↑](#footnote-ref-13)
14. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص293.](http://lib.eshia.ir/10083/2/293/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85) [↑](#footnote-ref-14)